

علم زبان؛ سال ۳، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۴

بررسی و مقایسه ساختار افعال زمان گذشته در دو گویش ولاتی و کلیمیان اصفهان

سیمین سدهی^{۱*} و شهلا رقیب دوست^{۲**}

۱- کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه علامه طباطبائی

۲. دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۰۱)

چکیده

گویش ولاتی (ولایتی)، در گذشته، در کل منطقه ورنوس فادران شهرستان خمینی شهر، واقع در استان اصفهان، تکلم می‌شده است؛ ولی متأسفانه، همچون بسیاری از گویش‌ها، بر اثر عوامل مختلف، تا حد قابل توجهی رو به زوال و فراموشی نهاده و امروزه، تنها به باولگان، یکی از پنج منطقه ورنوس فادران، محدود است. در تحقیق اسماعیلی (۱۳۷۹)، به دسته‌بندی درونی گویش‌های ایران مرکزی و گروه‌بندی مشترک گویش ولاتی با گویش کلیمیان اصفهان اشاره شده است. از آنجاکه هیچ‌گونه سند مکتوبی دال بر مقایسه زبان‌شناختی این دو گویش یافت نشده، در تحقیق حاضر، ساختار افعال زمان گذشته دو گویش ولاتی و کلیمیان اصفهان به منظور یافتن وجوه اشتراک و تمایز آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه این تحقیق بیانگر شباهت بسیار زیاد دو گویش ولاتی و کلیمیان اصفهان در سطوح مختلف آوایی، واجی و صرفی است. همچنین، ساخت افعال لازم و متعدی در دو گویش، تابع قواعد خاص و متفاوتی است که می‌تواند گواه بر وجود ساخت کنایی در این گویش‌ها باشد. در مجموع، شباهت قابل ملاحظه ساخت افعال در زمان گذشته در دو گویش به حدی است که فرضیه ریشه تاریخی مشترک آن‌ها را مورد تأیید قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: گویش ولاتی، گویش کلیمیان اصفهان، زمان گذشته افعال، فعل لازم، فعل متعدی.

* E-mail: sedehi72@gmail.com (نویسنده مسئول)

** E-mail: neishabour@hotmail.com

۱. مقدمه

توصیف و گردآوری گویش‌ها و زبان‌های ایرانی نه فقط از دیدگاه زبان‌شناختی، بلکه از بُعد جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی نیز درخور توجه است، چراکه هر یک از این گویش‌ها و زبان‌ها گنجینه‌هایی هستند که فرهنگ، هویت و اصالت یک قوم را در خود جای داده‌اند.

استان اصفهان از جمله مناطقی است که در آن، لهجه‌ها و گویش‌های گوناگون به وفور یافت می‌شوند. کاشان و نطنز، اردستان و کوهپایه، خور و بیابانک، نجف‌آباد و دیگر شهرستان‌های این استان و همچنین مرکز استان دارای لهجه‌ها و گویش‌های خاص خود هستند. در این میان، خمینی‌شهر، نزدیک‌ترین شهرستان به مرکز استان، دارای لهجه‌ها و گویش‌های متعددی است که کمابیش مردم به آن‌ها تکلم می‌کنند. شهرستان خمینی‌شهر با مساحتی برابر ۱۷۵/۳۰۲ کیلومتر مربع در منطقه بلوک ماریین و در ۱۲ کیلومتری شمال‌غربی اصفهان واقع شده است و از شمال، به شهرستان برخوار و میمه، از شرق، به شهرستان اصفهان، از غرب، به شهرستان نجف‌آباد، و از جنوب و جنوب غربی، به شهرستان فلاورجان و رودخانه زاینده‌رود محدود می‌شود (صرامی فروشانی، ۱۳۸۲: ۷). طبق آمار سرشماری سال ۱۳۹۰ (۱۳۹۰: ۲۰)، این شهرستان جمعیتی بالغ بر ۳۱۱۶۲۹ نفر را در خود جای داده است. نام این شهرستان در زمان قدیم «سده» بوده که ابتدا در سال ۱۳۳۸ به «همایونشهر» و سپس مجدداً در سال ۱۳۵۹ به «خمینی‌شهر» تغییر یافت. این شهرستان از سه بخش اصلی با نام‌های «ورنوس فادران»، «خوزان» و «فروشان»^۱ تشکیل شده است و به همین دلیل، سده (سه‌ده) نامیده می‌شده است.

گویش ولاتی (ولایتی) از جمله گویش‌های ایرانی است که در منطقه بولگان، یکی از پنج منطقه‌ای که در بخش ورنوس فادران قرار دارد، تکلم می‌شود. این گویش به دسته گویش‌های ایران مرکزی و شمال‌غربی تعلق دارد (اورانسکی، ۱۳۸۶: ۱۴۵). ولاتی در مناطق دیگر استان، از جمله کوهپایه، جرقویه، گز و خورزوق نیز تکلم می‌شود که بنا بر گفته اسماعیلی (۱۳۷۹: ۸)، «تفاوت میان گویش‌های مذکور بسیار کم بوده و اکثراً منحصر به تفاوت‌های آوایی می‌باشد». فره‌وشی (۱۳۴۲: ۳۱۱) کل ناحیه ورنوس فادران را محدوده تکلم گویش ولاتی دانسته است؛ ولی این گویش نیز، همچون سایر گویش‌ها، از گزند عواملی همچون هجوم

فناوری‌های نوین و مهاجرت در امان نمانده و به تدریج گویشوران خود را در مناطق مختلف ورنوس فادران ازدست داده و تنها به منطقهٔ باولگان محدود شده است.

در زمینهٔ تحقیق درباره گویش ولاتی، منابع معدودی در دست است. فره‌وشی (۱۳۴۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل سیستم فعل در لهجهٔ سده‌ای» به بیان برخی صورت‌ها و ساخت‌های فعلی این گویش پرداخته است. اسماعیلی (۱۳۷۹) در پایان‌نامهٔ دکتری خود با عنوان «گویش سده‌ای»، به صورت کامل و جامع، به توصیف این گویش در حوزه‌های آواشناسی، واج‌شناسی، صرف و نحو پرداخته و در پایان، فهرستی از افعال و واژه‌ها ارائه کرده است. همچنین، اشرفی ورنوسفادرانی (۱۳۷۹) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «پژوهشی در واژه‌های گویش سده‌ای»، فهرستی از واژه‌ها و معنای آن‌ها (در گویش ولاتی و دیگر لهجه‌های سده) را به زبان فارسی ارائه کرده است. شایان ذکر است که فره‌وشی (۱۳۴۲) اصطلاح لهجه را برای این گونهٔ زبانی به کار برده، اما مبنای پژوهش حاضر بر دیدگاه مدرسی (۱۳۸۷: ۱۳۳) استوار است که اصطلاح گویش را در مورد تفاوت‌های تلفظی، دستوری و واژگانی گونه‌های زبانی و اصطلاح لهجه را در مورد تفاوت‌های تلفظی آن‌ها به کار می‌برد؛ از این رو، کاربرد واژهٔ گویش برای ولاتی مناسب تشخیص داده شده است. افزون بر این، اسماعیلی (۱۳۷۹)، کلباسی (۱۳۶۷) و صرامی فروشانی (۱۳۸۲) در معرفی گویش ولاتی، از عبارت گویش سده‌ای استفاده کرده‌اند. شایان توجه است که در حال حاضر، این گویش تنها در بخش باولگان منطقهٔ ورنوس فادران در شهرستان خمینی شهر تکلم می‌شود و مردم ساکن در این منطقه نیز آن را به نام ولاتی می‌شناسند. از طرفی، سده‌ای به دلیل تفاوت‌های عمدتاً آوایی با فارسی معیار، در بین مردم استان اصفهان به عنوان لهجه شناخته می‌شود؛ بنابراین، محققان این پژوهش بر آن شدند تا از لفظ گویش ولاتی به جای گویش سده‌ای استفاده کنند.

نگارندگان در حین جست‌وجو برای یافتن پیشینهٔ تاریخی گویش ولاتی، به دسته‌بندی درونی گویش‌های ایران مرکزی که توسط ویندفور (Windfuhr)؛ به نقل از اسماعیلی، (۱۳۷۹: ۹) انجام شده و گروه‌بندی مشترک گویش ولاتی با گویش کلیمیان اصفهان برخورد کردند. در این دسته‌بندی، گویش‌های ولاتی و کلیمیان اصفهان به همراه گویش‌های گزی،

زفره‌ای، اردستانی، کوهپایه‌ای و جرقویه‌ای در گروه جنوبی گویش‌های ایران مرکزی قرار گرفته‌اند. همچنین، تفضلی (۱۳۵۰: ۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «اطلاعاتی درباره لهجه پیشین اصفهان»، به ارتباط نزدیک گویش ولاتی با گویش یهودی این چنین اشاره می‌کند:

«از بررسی آثار اندکی که از لهجه قدیم اصفهان بر جای مانده و مقایسه این آثار با لهجه یهودیان اصفهان، می‌توان استنباط کرد که این لهجه دنباله همان لهجه قدیم اصفهان است، یا به‌رحال با آن ارتباطی بسیار نزدیک دارد، که اقلیت یهودی آن را در میان خویش حفظ کرده است. همچنین میان لهجه قدیم اصفهان و لهجه‌های گزی، سده‌ی و میمه‌ای و لهجه‌های دیگر اطراف اصفهان ارتباط نزدیک می‌یابیم.»

در باب تحقیق و تفحص درباره گویش کلیمیان اصفهان، کلباسی (۱۳۷۳) به تفصیل به بررسی آواشناختی، واج‌شناختی، صرفی و نحوی این گویش پرداخته است.

نگارنده اول در حین جمع‌آوری داده‌ها، از طریق مصاحبه با یکی از گویشوران سالمند گویش ولاتی، دریافت که این فرد به راحتی می‌توانسته با برخی کلیمیان ساکن اصفهان، که به گفته وی در قدیم جهت تجارت به سده آمد و شد داشته‌اند، ارتباط زبانی برقرار کند.^۲ نظراتی نیز دال بر سکونت کلیمیان اصفهان در گذشته‌های دور در این بخش از استان اصفهان، از ساکنین شنیده شده که البته تا جایی که محققان جست‌وجو کردند، به این نکته فقط در وبگاه انجمن کلیمیان تهران^۳ اشاره شده است.

بررسی و جست‌وجوهای لازم نشان داد که هیچ‌گونه سند مکتوبی دال بر مقایسه زبان شناختی دو گویش ولاتی و کلیمیان اصفهان وجود ندارد. از طرفی، مطالعات اجمالی به عمل آمده در خصوص این دو گویش نشان از شباهت جالب توجه آن‌ها به لحاظ جنبه‌های مختلف زبانی داشت و همین نکته انگیزه لازم را فراهم آورد تا مطالعه و مقایسه زبان‌شناختی این دو گویش، در پژوهش حاضر، کانون توجه قرار گیرد؛ بنابراین، به‌عنوان اولین گام پژوهش، مقوله فعل انتخاب شد و به دلیل گستردگی موضوع، ساختار افعال زمان گذشته (شامل صورت‌های گذشته ساده، استمراری، نقلی، دور، نقلی دور و التزامی) مورد بررسی قرار گرفت. بدیهی است که با نیل به هدف پژوهش حاضر، که بررسی و مقایسه ساختار این دسته

از افعال در دو گویش ولاتی و کلیمیان اصفهان به منظور یافتن وجوه اشتراک و تفاوت‌های آن‌هاست، می‌توان گواه مستدلی در تأیید یا رد فرضیه اشتراک تاریخی این دو گویش به دست آورد. تحقیق حاضر حاصل تلفیق دو روش میدانی و کتابخانه‌ای است. پس، از جمع‌آوری داده‌های زبانی مرتبط با گویش ولاتی از دو گویشور زن ۴۱ و ۷۰ ساله و یک گویشور مرد ۷۲ ساله و ضبط پاسخ‌ها به صورت صوتی، به منظور افزایش ضریب اطمینان، نخست، داده‌های نهایی با بخش افعال پایان‌نامه اسماعیلی (۱۳۷۹) مطابقت داده شد؛ سپس، این داده‌ها با پرسش از سعید بیابانکی (۴۳ ساله)، که از شاعران بنام گویش ولاتی است، تکمیل و سرانجام آوانگاری و ثبت نهایی شد. در مورد افعال در گویش کلیمیان اصفهان، الگوی ارائه شده توسط کلباسی (۱۳۷۳) مبنای پژوهش قرار گرفت. در نهایت، با بررسی داده‌های حاصل از هر دو گویش، مقایسه و بحث درباره شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختار زمان گذشته فعل انجام شد.

۲. توصیف ساختار فعل

پیش از پرداختن به مقوله فعل و ساختار آن، معرفی کوتاه ضمائر شخصی پیوسته، شناسه‌های فعلی، وند وجه و نمود و شیوه ساخت اسم مفعول در هر دو گویش ضروری به نظر می‌رسد. پس از آن، تمامی صیغگان افعال هر دو گویش در کنار هم آورده می‌شوند. همچنین، از این پس، در این مقاله «گویش کلیمیان اصفهان» به اختصار «گویش کلیمی» نامیده خواهد شد.

۲-۱. ضمائر شخصی پیوسته و شناسه‌های فعلی

ضمائر شخصی پیوسته در هر دو گویش در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: ضمایر شخصی پیوسته در دو گویش ولاتی و کلیمی

کلیمی		ولاتی		گویش
مفرد	جمع	مفرد	جمع	شخص / شمار
-(o)m	-(o)mun	-(o)m	-(o)mun	اول
-(o)d	-(o)dun	-(o)d	-(o)dun	دوم
-(o)š	-(o)šun	-(o)y	-(o)yun	سوم

این ضمایر هنگامی که پس از کلمات مختوم به همخوان بیایند، با واکه /o/ همراه‌اند. به‌منظور تبیین بهتر موضوع، نمونه‌هایی از کاربرد این گونه ضمایر ارائه می‌شود:

- مثال از گویش ولاتی: xoxom (خواهرم)، xoxod (خواهرت)، xoxoy (خواهرش)، xoxomun (خواهرمان)، xoxodun (خواهرتان)، xoxoyun (خواهرشان).

- مثال از گویش کلیمی: xoxom (خواهرم)، xoxod (خواهرت)، xoxoš (خواهرش)، xoxomun (خواهرمان)، xoxodun (خواهرتان)، xoxošun (خواهرشان).

به‌جز صیغه‌های سوم شخص (مفرد و جمع)، این دسته از ضمایر در هر دو گویش دارای صورت‌های مشابه هستند. شناسه‌های فعلی دو گویش ولاتی و کلیمی در جدول زیر آورده شده‌است.

جدول شماره ۲: شناسه‌های فعلی در دو گویش ولاتی و کلیمی

کلیمی		ولاتی		شخص / شمار
مفرد	جمع	مفرد	جمع	
-un	-im/-ym	-ân/-âm/-m	-im/ -ym	اول
-i /-y/-e	-id/-yd	-i /-y/-e	-id/ -yd	دوم
u/∅	-end	u/∅/(â)	-end	سوم

گفتنی است که در هر دو گویش، تکواژ گونه‌های [i-، [-im، [-id]] پس از ستاک‌های مختوم به همخوان و در مقابل، تکواژ گونه‌های [-y، [-ym، [-yd]] پس از ستاک‌های مختوم به واکه می‌آیند. همچنین، بنا به گفته اسماعیلی (۱۳۷۹: ۱۲۰)، در ولاتی، تکواژ گونه سوم شخص مفرد [â] به صورت اختیاری فقط در پنج ستاک گذشته sot (سخت)، mat (مُرد)، kaft (افتاد)، ništ (نشست) و vašt (گذاشت) رخ می‌دهد، مانند: ništ(â).

۲-۲. وند وجه، نمود و نفی

در هر دو گویش، تکواژ be- به عنوان وند وجه امری، التزامی و اخباری به کار می‌رود. این وند در هر دو گویش دارای تکواژ گونه‌های متعددی است که در جدول شماره ۳ آمده است.^۴

جدول شماره ۳: وند وجه در دو گویش ولاتی و کلیمی

کلیمی		ولاتی	
مثال	تکواژ گونه	مثال	تکواژ گونه
be-šmâr (بشمار)	be-	be-mferât (فروختم)	be-
bi-riĵ (بریز)	bi-	bi-m-diyâ (دیدم)	bi-
bu-vâun (بگویم)	bu-	bu-xun-e (بخوان)	bu-
bo-xor (بخور)	bo-	bo-xo (بخور)	bo-
b-âr (بیاور)	b-	b-âr-e (بیاور)	b-
?e-de (بده)	?e-	?e-t-e (بده)	?e-
?i-gir (بگیر)	?i-	?i-nike (بنشین)	?i-
ve-darð (بدوز)	ve-	ve-m- fresnâ (فرستادم)	ve-

ba-xrun (بخورم)	-ba	(آرد کردم) + ba- m-at	ba-
		(بیاموز) + bey- mos-e	bey-
		(بسای) + bü-sün- e	bü-
		va-dašt × (دوخت)	va-
		ver-ašn-e × (بشنو)	ver-
		da-bend-e × (ببند)	da-
		de-m-puča × (پیچاندم)	de-

واضح است که هر یک از این تکواژگونه‌ها در بافت آوایی خاصی به کار می‌روند که پرداختن به آن‌ها در این مقوله نمی‌گنجد؛ ولی با نگاهی اجمالی به جدول فوق، می‌توان دریافت که وند وجه در گویش ولاتی، در مقایسه با گویش کلیمی، دستخوش تغییرات آوایی بیشتری شده است و در نتیجه تکواژگونه‌های بیشتری از آن منشعب شده‌اند.

در هر دو گویش ولاتی و کلیمی، پسوند e- نشان‌دهنده نمود ناقص و یا به عبارت دیگر، نمود استمراری است و پیشوند be- نمود کامل را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۴: وند نمود در دو گویش ولاتی و کلیمی

کلیمی		ولاتی	
مثال	نوع نمود	مثال	نوع نمود
gartâ-un-e (می گشتم)	ناقص (-e)	gata-m-e (می گشتم)	ناقص (-e)
be-gartâ-un (گشتم)	کامل (be-)	be-gatâ-m (گشتم)	کامل (be-)

وند نفی در گویش ولاتی تکواژ -na و در گویش کلیمی تکواژ -ne است که وند اول به همراه تمام افعال منفی و وند دوم با تمام افعال به جز فعل امری می آید. این وند نیز در هر دو گویش، دارای تکواژ گونه های مختلفی است؛ در اینجا تنها لازم است به تکواژ گونه [-na] در گویش کلیمی اشاره کرد که پیش از خوشه دوهمخوانی می آید و به نمونه های آن در جای خود اشاره خواهد شد. همچنین، فرهوشی (۱۳۴۲: ۳۲۲) پیشوند n- را به عنوان تکواژ نفی در گویش ولاتی در نظر گرفته است؛ ولی از آنجا که وند -na در بافت آوایی متنوع تری ظاهر گشته است، نگارندگان ترجیح دادند این وند به عنوان تکواژ نفی در نظر گرفته شود.

۲-۳. اسم مفعول

اسم مفعول در دو گویش ولاتی و کلیمی از ترکیب ستاک گذشته و پسوند /-e/ به دست می آید. این پسوند، در هر دو گویش، دارای سه تکواژ گونه [-a]، [-ye] و [-e] است که تکواژ گونه نخست در ستاک های مختوم به واکه /â/ (و نیز واکه /a/ در گویش کلیمی)، تکواژ گونه دوم پس از ستاک گذشته مختوم به واکه /i/ و تکواژ گونه آخر در سایر موارد ظاهر می شود. این تکواژ گونه ها به همراه مثال در جدول شماره ۵ آمده اند.

جدول شماره ۵: تکواژگونه‌های اسم مفعول‌ساز در دو گویش ولاتی و کلیمی

کلیمی		ولاتی	
pâ + a → pa (پاییده)	[-a]	gatâ + a → gata: (گشته)	⁵[-a]
di + ye → diye (دیده)	[-ye]	di + ye → diye (دیده)	[-ye]
xort + e → xorte (خورده)	[-e]	pušt+e → pušte (پوشیده)	[-e]

۲-۴. ساختار افعال گذشته

در این بخش، صورت‌های گوناگون افعال زمان گذشته در دو گویش ولاتی و کلیمیان اصفهان بررسی و مقایسه می‌شوند. در هر دو گویش، شیوه ساخت افعال لازم زمان گذشته با شیوه ساخت افعال متعدی آن تفاوت ساختاری دارد، به این صورت که در ساخت افعال لازم، از شناسه فعلی و در ساخت افعال متعدی، از ضمیر شخصی پیوسته استفاده می‌شود که این امر می‌تواند گواهی بر وجود ساخت کنایی^۶ در این گویش باشد. لازم به ذکر است که به منظور انجام دقیق‌تر مقایسه، افعال مورد مطالعه دقیقاً همان دو فعل لازم و متعدی به کاربرده شده توسط کلباسی (۱۳۷۳)، یعنی افعال مصدرهای «گشتن» و «پوشیدن»، هستند. هر دسته از افعال دو گویش در کنار یکدیگر آورده شده است.

۲-۴-۱. گذشته ساده

۲-۴-۱-۱. فعل لازم

قاعده ساخت گذشته ساده افعال لازم در هر دو گویش مشابه است:

پیشوند وجه + ستاک گذشته + شناسه فعلی ← گذشته ساده

جدول شماره ۶: گذشته ساده، فعل لازم

فارسی	ولاتی	کلیمی
گشتم	be-gatâ-m	be-gartâ-un
گشتی	be-gatâ-y	be-gartâ-y
گشت	be-gatâ-∅	be-gartâ-∅
گشتیم	be-gatâ-ym	be-gartâ-ym
گشتید	be-gatâ-yd	be-gartâ-yd
گشتند	*be-gatâ-end → begatâynd	*be-gartâ-end → begartand

در اینجا سه تفاوت ملاحظه می‌شود: تفاوت اول به تکواژهای شناسه اول شخص مفرد مربوط است. دومین تفاوت عبارت است از گوناگونی فرایندهای آوایی در سوم شخص جمع؛ به این معنی که در صیغه سوم شخص جمع گویش کلیمی، واکه پایانی ستاک گذشته (â) ابتدا موجب افتادگی^۷ واکه آغازین شناسه فعلی (e) و تبدیل آن به واکه /a/ شده و سپس، خود حذف شده است؛ در حالی که در گویش ولاتی، فرایند آوایی ناهمگونی دیده می‌شود که نتیجه آن ایجاد خوشه سه همخوانی ynd است. این صورت از الگوی هجایی در گویش کلیمی دیده نمی‌شود. تفاوت سوم تفاوت واجی ستاک گذشته افعال است. در ستاک گذشته مصدر «گشتن» در گویش کلیمی، واج /ɾ/ دیده می‌شود که در ستاک گذشته گویش ولاتی وجود ندارد.

فعل منفی در هر دو گویش با قراردادن پیشوند نفی (ne- در کلیمی و na- در ولاتی) به جای پیشوند وجه be- ساخته می‌شود. همان طور که جدول شماره ۷ نشان می‌دهد، در این مورد نیز تفاوت در تکواژهای شناسه و پیشوند نفی دو گویش دیده می‌شود.

جدول شماره ۷: گذشته ساده، فعل لازم منفی

فارسی	ولاتی	کلیمی
نگشتم	na-gatâ-m	ne-gartâ-un

۲-۱-۴-۲. فعل متعدی

الگوی ساخت افعال متعدی در هر دو گویش یکسان است. در تصریف افعال متعدی در هر دو گویش، از ضمائر شخصی پیوسته به جای شناسه‌های فعلی استفاده می‌شود.

پیشوند وجه + ضمیر شخصی پیوسته + ستاک گذشته ← گذشته ساده

جدول شماره ۸ تصریف افعال گذشته ساده متعدی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۸: گذشته ساده، فعل متعدی

فارسی	ولاتی	کلیمی
پوشیدم	be-m-pušt(â)	be-m-pušd
پوشیدی	be-d-pušt(â)	be-d-pušd
پوشید	be-y-pušt(â)	be-š-pušd
پوشیدیم	be-mun-pušt(â)	be-mun-pušd
پوشیدید	be-dun-pušt(â)	be-dun-pušd
پوشیدند	be-yun-pušt(â)	be-šun-pušd

هنگام جمع آوری داده‌های مرتبط با افعال گذشته ساده در گویش ولاتی، مشاهده شد که برخی گویشوران واکه /â/ را در پایان فعل قرار می‌دهند. اسماعیلی (۱۳۷۹: ۱۲۵) در این مورد قاعده‌ای در نظر گرفته است؛ به گفته وی، واکه /â/ به صورت اختیاری در پایان ستاک‌های گذشته مختوم به همخوان (و همین‌طور فعل «di» به معنای «دید») اضافه می‌شود. تا آنجا که

محققان تحقیق حاضر جست و جو کردند، سند مکتوبی در خصوص اینکه آیا واژه پایانی /â/ که در ولاتی به صورت اختیاری اضافه می شود، در کلیمی هم کاربرد دارد یا خیر، به دست نیامد. تفاوت واجی در واج پایانی ستاک های دو گویش مشاهده می شود (/t/) در گویش ولاتی و /d/ در گویش کلیمی).

الگوی ساخت منفی نیز در هر دو گویش مشابه است:

جدول شماره ۹: گذشته ساده، فعل متعدی منفی

فارسی	ولاتی	کلیمی
نپوشیدم	na-m-pušt(â)	na-m-pušd

لازم به ذکر است، همان گونه که پیش تر اشاره شد (بخش ۲،۲)، در ساخت صورت منفی در گویش کلیمی، به دلیل وجود خوشه دوهمخوانی mp از تکواژگونه [-na] استفاده شده است.

۲-۴-۲. گذشته استمراری

ساختار افعال گذشته استمراری در دو گویش ولاتی و کلیمی تفاوت بسیار زیادی دارد. یکی از نکات قابل توجه در ساخت گذشته استمراری در ولاتی آن است که از اسم مفعول برای ساخت آن استفاده می شود. دیگر آنکه در این گویش، ساختار فعل لازم و متعدی در اکثر افعال، تابع قاعده واحدی است. فرهوشی (۱۳۴۲: ۳۱۸) این نوع از فعل را به دلیل وجود اسم مفعول در ساختار آن، ماضی استمراری مرکب نامیده و اشاره کرده است که این گویش (به تعبیر وی، «لهجه») گذشته استمراری ساده ندارد. گذشته استمراری در گویش ولاتی طبق قاعده زیر ساخته می شود:

اسم مفعول + ضمیر شخصی پیوسته + پسوند استمرار ← گذشته استمراری (لازم و متعدی)

در گویش کلیمی از ستاک گذشته فعل برای ساخت گذشته استمراری استفاده می‌شود. همچنین در این گویش، ساختار فعل لازم با فعل متعدی متفاوت است:

ستاک گذشته + شناسه فعلی + پسوند استمرار ← گذشته استمراری (لازم)

ستاک گذشته + ضمیر شخصی پیوسته + پسوند استمرار ← گذشته استمراری (متعدی)

جدول شماره ۱۰، تفاوت صرفی افعال لازم در این دو گویش را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱۰: گذشته استمراری، فعل لازم

فارسی	ولاتی	کلیمی
می‌گشتم	gata-m-e	gartâ-un-e
می‌گشتی	gata-d-e	gartâ-y-e
می‌گشت	[^] gata-y-e/gata∅	gartâ-∅-e → garta
می‌گشتیم	gata-mun-e	gartâ-ym-e
می‌گشتید	gata-dun-e	gartâ-yd-e
می‌گشتند	gata-yun-e	*gartâ- end-e → gartande

پیداست که در گویش کلیمی، همان فرایند آوایی اعمال شده در صورت سوم شخص جمع گذشته ساده، که پیش‌تر (بخش ۲، ۴-۱) به آن اشاره شد، در صیغه‌های سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع این صورت از فعل نیز دیده می‌شود.

افعال متعدی در هر دو گویش به شرح زیر صرف می‌شوند. تفاوت ساختاری در این صورت از افعال گذشته دو گویش نیز به بروز دو ساختار صرفی کاملاً متمایز منجر شده است:

جدول شماره ۱۱: گذشته استمراری، فعل متعدی

فارسی	ولاتی	کلیمی
می پوشیدم	pušte-m-e	pušd-om-e
می پوشیدی	pušte-d-e	pušd-od-e
می پوشید	pušte-y-e	pušd-oš-e
می پوشیدیم	pušte-mun-e	pušd-omun-e
می پوشیدید	pušte-dun-e	pušd-odun-e
می پوشیدند	pušte-yun-e	pušd-ošun-e

در ساخت صورت منفی گذشته استمراری در گویش ولاتی نیز، همچون صورت مثبت آن، بی قاعدگی‌هایی مشاهده می‌شود. از آنجاکه در تحقیق حاضر، تنها دو مصدر «گشتن» و «پوشیدن» برای مقایسه برگزیده شده‌اند و با توجه به اینکه صورت‌های استثنای گذشته استمراری در گویش ولاتی تنها به موارد ذکر شده محدود نمی‌شود، لذا نگارندگان بر آن شدند که با اکتفا به ذکر همین مختصر، توضیح بیشتر در خصوص دیگر استثنای این صورت از افعال گویش ولاتی را به تحقیق دیگری موکول کنند. گذشته استمراری دو مصدر مورد مطالعه در ولاتی طبق قاعده زیر منفی می‌شوند:

پیشوند نفی + ضمیر شخصی پیوسته + اسم مفعول ← گذشته استمراری متعدی/لازم (منفی)
 در گویش کلیمی، فعل لازم با اضافه کردن پیشوند نفی به ابتدای فعل و فعل متعدی طبق قاعده زیر منفی می‌شوند:

پیشوند نفی + ضمیر شخصی پیوسته + ستاک گذشته + پسوند استمرار ← گذشته استمراری متعدی (منفی)

جدول شماره ۱۲: گذشته استمراری منفی

فارسی	ولاتی	کلیمی
نمی پوشیدم	na-m-pušte	na-m-pušd-e
نمی گشتم	na-m-gata	ne- gartâ-un-e

قابل توجه آنکه در شکل منفی ولاتی، پسوند نمود استمرار (e-) حذف شده است.

۲-۴-۳. گذشته نقلی

۲-۴-۳-۱. فعل لازم

الگوی ساخت این صورت از افعال گذشته در هر دو گویش مشابه است؛ اما این ساخت در گویش ولاتی تا حدودی پیچیده تر به نظر می رسد:

پیشوند وجه + اسم مفعول + شناسه فعلی ← گذشته نقلی

جدول شماره ۱۳: گذشته نقلی، فعل لازم

فارسی	ولاتی	کلیمی
گشته ام	be-gatâm	be-garta-un
گشته ای	be-gata:-y	be-garta-y
گشته است	be-gata:-∅	be-garta-∅
گشته ایم	be-gata:-ym	be-garta-ym
گشته اید	be-gata:-yd	be-gatra-yd
گشته اند	*be-gata:-end → begata:ynd	*be-garta-end → begartand

در این نوع از ساختار فعل این دو گویش، تفاوت‌ها در قالب سه فرایند آوایی دیده می‌شوند:

(۱) فرایند حذف در صیغه اول شخص مفرد ولاتی؛ در این صیغه، واکه پایانی اسم مفعول هنگام مجاورت با واکه آغازین شناسه فعلی اول شخص مفرد، حذف شده است:

*be-gata+âm → be-gatâm

(۲) فرایند حذف در صیغه سوم شخص جمع گویش کلیمی؛ در این صیغه از فعل، واکه آغازین شناسه (/e/) هنگام مجاورت با واکه پایانی اسم مفعول حذف شده است.

(۳) فرایند ناهمگونی در سوم شخص جمع ولاتی بین واکه پایانی اسم مفعول و واکه آغازین شناسه فعلی که نتیجه آن تبدیل واکه /e/ به نیم‌واکه //y/ و ایجاد خوشه سه‌همخوانی -ynd است.

مشاهده صورت سوم شخص مفرد ولاتی نکته دیگری را نشان می‌دهد. بر طبق یکی از قواعد ارائه شده توسط فره‌وشی (۱۳۴۲: ۳۱۹)، در این گونه افعال، به جای تکواژ سوم شخص مفرد (u) از مصدر «هستن»، تکواژ صفر قرار گرفته است. این حالت در فارسی محاوره‌ای نیز دیده می‌شود (مانند «گشته» به جای «گشته است»). نگاهی به این صیغه از فعل در گویش کلیمی، شباهت آن را به گویش ولاتی نشان می‌دهد. منفی ساختن گذشته نقلی در هر دو گویش با جایگزینی پیشوند نفی به جای پیشوند وجه صورت می‌گیرد.

۲-۴-۳-۲. فعل متعدی

در این نوع فعل نیز الگوی ساخت در دو گویش تقریباً همسان است:

پیشوند وجه + ضمیر شخصی پیوسته + اسم مفعول - فعل گذشته نقلی

تنها تفاوت در آن است که در ولاتی، به اسم مفعول مختوم به واکه /e/ پسوند /u/ نیز

اضافه می‌شود:

پیشوند وجه + ضمیر شخصی پیوسته + اسم مفعول فعل (مختوم به $u + (e/)$) ← گذشته

نقلی

اسم مفعول مصدر «پوشیدن» عبارت است از: $pušte + e \rightarrow pušt+e$. حال اگر بخواهیم آن را به زمان گذشته نقلی تبدیل کنیم، باید آن را با فعل معین «هستن» صرف کنیم. به گفته صرامی (۱۳۸۲: ۱۳۴)، u بازمانده hu ، سوم شخص مفرد از فعل معین «هستن» است که به هنگام مجاورت با اسم مفعول مختوم به تکواژ e - بدل به $ö$ شده است: $pušte+u \rightarrow pušteu$. $puštö$ قاعده ادغام e و u و تبدیل آن‌ها به واکه $ö$ در گویش کلیمی دیده نمی‌شود.

تصریف گذشته نقلی افعال متعدی در دو گویش در جدول شماره ۱۴ مشهود است:

جدول شماره ۱۴: گذشته نقلی، فعل متعدی

فارسی	ولاتی	کلیمی
پوشیده‌ام	be-m- puštö	be-m-pušde
پوشیده‌ای	be-d-puštö	be-d-pušde
پوشیده است	be-y-puštö	be-š-pušde
پوشیده‌ایم	be-mun-puštö	be-mun-pušde
پوشیده‌اید	be-dun-puštö	be-dun-pušde
پوشیده‌اند	be-yun-puštö	be-šun-pušde

این که تصور شود پسوند u - تنها به افعال متعدی اضافه می‌شود، جای تأمل دارد. فره‌وشی (۱۳۴۲: ۳۱۸) برای ساخت گذشته نقلی گویش ولاتی، پنج قاعده ارائه کرده است. یکی از این قواعد در قالب مثال زیر بیان شده است:

آمده‌ام $bume-hân > bume-ân$

آمده‌ای $bume-hi > bume-i$

آمده است $bume-hu > bume-u > bum-eu > bumö$

طبق داده‌های فوق و با در نظر گرفتن اینکه از مصدر «آمدن»، افعال لازم ساخته می‌شود، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در ساخت گذشته نقلی ولاتی، اسم مفعول، چه لازم باشد و چه متعدی، با فعل معین «هستن» صرف می‌شود، ولی از آنجا که هنگام صرف افعال متعدی، صورت کامل (participle) به تنهایی و بدون شناسه فعلی ظاهر می‌شود، گونه مختوم به تکواژ e- پس از ادغام با تکواژ u- با صورت روبنایی مختوم به ö می‌آید.

صورت منفی فعل با جایگزین کردن پیشوند نفی به جای پیشوند وجه حاصل می‌شود.

۲-۴-۴. گذشته دور

ساختار لازم و متعدی فعل گذشته دور در هر دو گویش کاملاً مشابه است.

۲-۴-۴-۱. فعل لازم

پیشوند وجه (be-) + اسم مفعول فعل + گذشته ساده «بودن» - گذشته دور

این صورت از افعال لازم در دو گویش ولاتی و کلیمی به شرح جدول شماره ۱۵ صرف می‌شود:

جدول شماره ۱۵: گذشته دور، فعل لازم

فارسی	ولاتی	کلیمی
گشته بودم	be-gata:-bom	be- garta- boun
گشته بودی	be-gata:-boy	be-garta-boy
گشته بود	be-gata:-bo	be-garta-bo
گشته بودیم	be- gata:-boym	be- garta-boym
گشته بودید	be-gata:-boyd	be- garta-boyd
گشته بودند	be-gata:-boynd	be- garta- bend

توالی خوشه سه همخوانی ynd در سوم شخص جمع ولاتی قابل مشاهده است. افعال لازم زمان گذشته دور در هر دو گویش، با جایگزین کردن پیشوند نفی به جای پیشوند وجه، منفی می شوند.

۲-۴-۲. فعل متعدی

از آنجاکه در هر دو گویش، هنگام تصریف افعال متعدی، ضمیر شخصی پیوسته به جای شناسه های فعلی به کار می رود، ستاک گذشته "bo" (بود)، به صورت همسان، در پایان تمام صیغه های افعال ظاهر می شود. بنابراین، در هر دو گویش، گذشته دور افعال متعدی طبق قاعده زیر ساخته می شود:

پیشوند وجه (be-) + ضمیر شخصی پیوسته + اسم مفعول فعل + bo (بود) ← گذشته دور

جدول شماره ۱۶: گذشته دور، فعل متعدی

فارسی	ولاتی	کلیمی
پوشیده بودم	be-m-pušte-bo	be-m-pušde-bo
پوشیده بودی	be-d-pušte-bo	be-d-pušde-bo
پوشیده بود	be-y-pušte-bo	be-š- pušde-bo
پوشیده بودیم	be-mun-pušte-bo	be-mun-pušde- bo
پوشیده بودید	be-dun-pušte-bo	be-dun-pušde-bo
پوشیده بودند	be-yun-pušte-bo	be-šun-pušde-bo

ساختار صورت منفی گذشته دور افعال متعدی نیز در دو گویش مشابه است و با جایگزین کردن پیشوند نفی به جای پیشوند وجه حاصل می شود.

۲-۴-۵. گذشته نقلی دور

ساخت این صورت از فعل نیز در هر دو گویش، از الگوی واحدی تبعیت می کند و تنها تفاوت های واژگانی و واجی در گذشته نقلی مصدر «بودن» دیده می شود.

۲-۴-۵-۱ فعل لازم

پیشوند وجه (be-) + اسم مفعول فعل + گذشته نقلی «بودن» - گذشته نقلی دور

جدول شماره ۱۷: گذشته نقلی دور، فعل لازم

فارسی	ولاتی	کلیمی
گشته بوده ام	be-gata-bâ:m	be-garta-beđoun
گشته بوده ای	be-gata-bey	be-garta-beđey
گشته بوده است	be-gata-bö	be-garta-beđe
گشته بوده ایم	be-gata-beym	be-garta-beđeym
گشته بوده اید	be-gata-beyd	be-garta-beđeyd
گشته بوده اند	be-gata-beynd	be-garta-beđend

وجود خوشه سه همخوانی در سوم شخص جمع این صورت از فعل گذشته ولاتی نیز قابل مشاهده است. تصریف این صورت از فعل، وجود واج /ð/ را در گویش کلیمی آشکار می سازد که در گویش ولاتی دیده نمی شود.

تشابه الگوی ساختاری بین دو گویش در افعال منفی نیز وجود دارد، زیرا در هر دو گویش، صورت منفی با جایگزین کردن پیشوند نفی به جای پیشوند وجه حاصل می شود.

۲-۴-۵-۲ فعل متعدی

افعال متعدی گذشته نقلی دور بر طبق قاعده زیر ساخته می‌شوند. لازم به ذکر است که ماضی نقلی سوم شخص مفرد فعل «بودن» در ولاتی bö و در کلیمی beðe است. پیشوند وجه (be-) + ضمیر شخصی پیوسته + اسم مفعول + سوم شخص مفرد ماضی نقلی «بودن» - گذشته نقلی دور

جدول شماره ۱۸ تصریف صورت متعدی گذشته نقلی دور را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۸: گذشته نقلی دور، فعل متعدی

فارسی	ولاتی	کلیمی
پوشیده بوده‌ام	be-m-pušte-bö	be-m-pušte-beðe
پوشیده بوده‌ای	be-d-pušte-bö	be-d-pušte-beðe
پوشیده بوده است	be-y-pušte-bö	be-š-pušte-beðe
پوشیده بوده‌ایم	be-mun-pušte-bö	be-mun-pušte-beðe
پوشیده بوده‌اید	be-dun-pušte-bö	be-dun-pušte-beðe
پوشیده بوده‌اند	be-yun-pušte-bö	be-šun-pušte-beðe

ملاحظه می‌شود که در این صورت از فرم متعدی افعال دو گویش نیز، به دلیل استفاده از ضمائر شخصی پیوسته، تمامی صیغگان فعل مختوم به صورت کامل^۹ مصدر «بودن» هستند. الگوی ساخت منفی در افعال متعدی نیز مشابه است و با جایگزین کردن پیشوند نفی به جای پیشوند وجه حاصل می‌شود.

۲-۴-۶. گذشته التزامی

ساختار فعل گذشته التزامی در هر دو گویش مشابه است.

۲-۴-۶-۱. فعل لازم

پیشوند وجه + اسم مفعول فعل + حال التزامی «بودن» ← گذشته التزامی

جدول شماره ۱۹: گذشته التزامی، فعل لازم

فارسی	ولاتی	کلیمی
گشته باشم	be-gata:-bâm	be-garta-bun
گشته باشی	be-gata:-bi	be-garta-be
گشته باشد	be-gata:-bu	be-garta-bu
گشته باشیم	be-gata:-bim	be-garta-bim
گشته باشید	be-gata:-bid	be-garta-bid
گشته باشند	be-gata:-beynd	be-garta-bend

صرف فعل «بودن» به همراه اسم مفعول باعث ساخت صورت التزامی و نیز دستوری شدن فعل «بودن» در این دو گویش شده است. توالی خوشه سه همخوانی در سوم شخص جمع این صورت از افعال گذشته ولاتی نیز دیده می شود. الگوی ساخت صورت منفی این افعال نیز شباهت های بسیار چشمگیری دارد و با قرار دادن پیشوند نفی به جای پیشوند وجه، حاصل می شود.

۲-۴-۶-۲. فعل متعدی

افعال گذشته التزامی متعدی در هر دو گویش طبق قاعده زیر صرف می شوند:

پیشوند وجه + ضمیر پیوسته + اسم مفعول فعل + bu (سوم شخص مفرد حال التزامی «بودن») ← گذشته التزامی

تصریف این صورت از فعل در جدول شماره ۲۰ نشان داده شده است:

جدول شماره ۲۰: گذشته التزامی، فعل متعدی

فارسی	ولاتی	کلیمی
پوشیده باشم	be-m-pušte-bu	be- m-pušde-bu
پوشیده باشی	be-d-pušte-bu	be-d-pušde-bu
پوشیده باشد	be-y-pušte-bu	be-š-pušde-bu
پوشیده باشیم	be-mun-pušte-bu	be-mun-pušde-bu
پوشیده باشید	be-dun-pušte-bu	be-dun-pušde-bu
پوشیده باشند	be-yun-pušte-bu	be-šun-pušde-bu

ملاحظه می‌شود که فعل حال التزامی از مصدر «بودن» به صورت کاملاً یکسان در هر دو گویش تصریف شده است. ساخت افعال منفی نیز در هر دو گویش از الگوی یکسانی تبعیت می‌کند.

۳. بحث

همان گونه که در بخش‌های پیشین به تفصیل شرح داده شد، مقایسه افعال در دو گویش ولاتی و کلیمی شباهت‌هایی کاملاً مشهود و تفاوت‌هایی جزئی را نشان می‌دهد. در هر دو گویش، صورت ضمائر شخصی پیوسته، به جز ضمیر سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع، کاملاً مشابه است. شناسه‌های فعلی نیز به جز شناسه اول شخص مفرد (-âm/-m/ -ân) در ولاتی و -un- در کلیمی، شباهت قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهند. پیشوند وجه (نمود کامل) در هر دو گویش be- است. این پیشوند در هر یک از گویش‌ها تکواژگونه‌هایی دارد که برخی مشابه و برخی متفاوت‌اند. همچنین، در هر دو گویش، پسوند e- نشان‌دهنده نمود استمراری است. وند نفی در گویش کلیمی -ne- و در گویش ولاتی -na- است و صورت‌های دیگری نیز وجود دارند که تکواژگونه این وندها محسوب می‌شوند

در مقایسه صورت‌های گوناگون زمان گذشته (به جز صورت گذشته استمراری) نیز مشخص شد که شباهت‌ها قابل ملاحظه و تفاوت‌ها اندک و در عین حال قابل تأمل هستند. در هر دو گویش، ساخت افعال لازم و متعدی تابع قواعد خاص و متفاوتی است که می‌تواند گواه بر وجود ساخت کنایی در این دو گویش باشد. ستاک‌های گذشته دو مصدر انتخاب شده جهت مقایسه، در کلیمی «gartâ» و «pušd» و در ولاتی «gatâ» و «pušt»، به معنای «گشتن» (لازم) و «پوشیدن» (متعدی) هستند که در اولی، تفاوت دو گویش در بود یا نبود واج /r/ و در دومی، تفاوت در واک‌داری همخوان پایانی است. این تفاوت واجی می‌تواند شواهدی جهت بررسی در زمانی این دو گویش به دست دهد. مقایسه صورت زمان گذشته ساده این دو گویش نشانگر شباهت بسیار در تمام صیغگان آن است. تنها اختلاف‌های موجود یکی تفاوت تکواژی در شناسه اول شخص مفرد (فعل لازم) است که به آن اشاره شد (بخش ۴، ۲-۱-۱)، و دیگری تفاوت در فرایندهای آوایی اعمال شده بر صیغه سوم شخص جمع (فعل لازم) است که در کلیمی، به افتادگی واکه آغازین شناسه (e) و تبدیل آن به a، و به دنبال آن، حذف واکه پایانی ستاک (â) منجر شده و در ولاتی به ایجاد خوشه سه همخوانی ynd انجامیده است (در ولاتی: $be-gatâ-end \rightarrow begartand$ و در کلیمی: $be-gatâ-end \rightarrow begartand$ به معنای «گشتند»). وجود خوشه سه همخوانی، خاص گویش ولاتی است و علاوه بر فعل گذشته ساده، در صورت سوم شخص جمع افعال لازم در زمان‌های گذشته نقلی، دور، نقلی دور و التزامی این گویش نیز دیده می‌شود. در ساخت صورت‌های گوناگون گذشته کامل از اسم مفعول ستاک‌ها استفاده شده است. تکواژ e- در هر دو گویش، به ستاک فعل اضافه شده و اسم مفعول می‌سازد. این تکواژ نیز دارای سه تکواژگونه است که هر یک در بافت آوایی خاصی ظاهر می‌شوند. نکته قابل تأمل شیوه ساخت گذشته نقلی فعل متعدی در گویش ولاتی است؛ به این ترتیب که ستاک pušt ابتدا با اضافه شدن پسوند e- به pušte تبدیل می‌شود و با اضافه شدن u-، صورت روبنایی puštö به دست می‌آید. این شیوه ساختی در گویش کلیمی دیده نمی‌شود (مانند be-m-puštö «پوشیده‌ام» در ولاتی و be-m-pušde در کلیمی). همچنین، در شناسه اول شخص مفرد گذشته نقلی ولاتی، فرایند آوایی حذف صورت گرفته است ($be-gata+âm \rightarrow be-gatâm$)؛ در حالی که این فرایند در گویش کلیمی

دیده نمی‌شود. به جز این تفاوت، سایر صورت‌های فعلی افعال متعدی دو گویش بسیار به یکدیگر شبیه‌اند و تنها برخی تفاوت‌های تکواژی در ستاک‌ها و ضمائر پیوسته مشاهده می‌شود. در افعال لازم گذشته‌های دور، التزامی و نقلی دور نیز شباهت‌ها بسیار چشمگیر است و تفاوت‌های صورت واژگانی بین ستاک‌ها و صیغگان مختلف فعل از مصدر «بودن» دیده می‌شود.

شاید بتوان گفت گذشته استمراری تنها صورتی از زمان گذشته افعال در این دو گویش است که تفاوت‌هایی بسیار بارز را نشان می‌دهد. مهم‌ترین تفاوت آن است که در ساخت گذشته استمراری در ولاتی، از اسم مفعول و در کلیمی، از ستاک گذشته فعل استفاده می‌شود. تفاوت دیگر آن است که در گویش ولاتی، ساختار فعل لازم گذشته استمراری مانند ساختار فعل متعدی است؛ در حالی که در کلیمی، شیوه ساخت این دو نوع فعل، مانند سایر افعال گذشته این گویش، متفاوت و در واقع، مطابق قاعده معمول است.

۴. نتیجه‌گیری

بررسی صورت افعال گذشته در دو گویش ولاتی و کلیمی نشان می‌دهد که این دو گویش، از نظر ساختار دستوری و صورت‌های واژگانی، شباهت‌های بسیاری دارند. تفاوت‌های بین ساختار افعال در دو گویش، به صورت محدود، بیشتر به تکواژها مربوط می‌شود؛ به عنوان مثال، این تفاوت در ستاک‌های گذشته و حال دو مصدر «پوشیدن» و «گشتن» («pušt» و «gatâ» در ولاتی و «pušd» و «gartâ» در کلیمی)، شناسه‌های فعلی، ضمائر پیوسته، صورت اسم مفعول و فرایندهای آوایی در برخی از صیغه‌ها دیده می‌شود. همچنین، تفاوت‌هایی نیز در الگوی ساخت فعل گذشته استمراری و گذشته نقلی به چشم می‌خورد.

اگرچه تفاوت‌هایی جزئی در ساختار افعال وجود دارد، ولی این دو گویش، به لحاظ واژگانی و ساختار تصریفی، بسیار مشابه‌اند. در هر دو گویش، شباهت چشمگیری در افعال لازم و متعدی صورت‌های مختلف زمان گذشته مشاهده می‌شود و در همه افعال (به جز گذشته

استمراری)، شیوه ساخت فعل لازم با متعدی متفاوت است که می تواند نشان دهنده وجود ساخت کنایی در این دو گویش باشد.

هر چند تحقیق حاضر تنها به بررسی نظام فعل پرداخته است، اما با توجه به شباهت بسیار بارز ساختار افعال در این دو گویش، نمی توان فرضیه اشتراک تاریخی این دو گویش را از نظر دور داشت و به نظر می رسد که این مطالعات زبان شناختی می تواند شواهدی قوی در تأیید اشتراک تاریخی آن ها فراهم کند. از آنجا که پژوهش حاضر به صورت هم زمانی انجام شده، کاوشی پیرامون اینکه آیا یکی از این دو گویش از دیگری مشتق شده و یا هر دو در کنار هم و از یک گویش مادر برگرفته شده اند، صورت نگرفته است و این موضوع می تواند در پژوهش های آتی مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- اسماعیلی، محمدمهدی. (۱۳۷۹). **گویش سدهی**. رساله دکتری فرهنگ و زبان های باستانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- اورانسکی، یوسیف. م. (۱۳۸۶). **زبان های ایرانی**. ترجمه علی اشرف صادقی. تهران: انتشارات سخن.
- تفضلی، احمد. (۱۳۵۰). «اطلاعاتی درباره لهجه پیشین اصفهان». **نامه مینوی**. تهران: چاپخانه کاویان. ۸۵-۱۰۳.
- سالنامه آماری شهرستان خمینی شهر**. (۱۳۹۰). اصفهان: استانداری اصفهان.
- صرامی فروشانی، رسول. (۱۳۸۲). **سده در گذر زمان**. اصفهان: پویش اندیشه.
- کلباسی، ایران. (۱۳۷۳). **گویش کلیمیان اصفهان**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فروهوشی، بهرام. (۱۳۴۲). «تحلیل سیستم فعل در لهجه سده ای». **مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران**. سال یازدهم. شماره ۳. ۳۱۱-۳۲۳.

مدرسی، یحیی. (۱۳۸۷). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

یادداشت‌ها:

- ۱- نام این سه بخش، به گویش ولاتی، به ترتیب از چپ به راست عبارت است از: un, pürüşunž vensfoun, ü (اسماعیلی، ۱۳۷۹: ۶).
۲. همچنین، پدر نگارنده اول، که در دوره جوانی گویشور گویش ولاتی نیز بوده است، به راحتی قادر بوده با همکار کلیمی خود ارتباط زبانی برقرار کند.
- ۳- www.iranjewish.com/worldyahood/IRANJEWISH/Essay16.html
- ۴- تکواژگونه‌هایی که با علامت + مشخص شده‌اند برگرفته از اسماعیلی (۱۳۷۹) و تکواژگونه‌هایی که با × مشخص شده‌اند برگرفته از فره‌وشی (۱۳۴۲) است.
- ۵- گفتنی است اسماعیلی (۱۳۷۹: ۱۱۰) این تکواژگونه را حاصل ادغام \hat{a} پایانی ستاک‌های ماضی مختوم به این واکه با پسوند صفت مفعولی (e-) دانسته است.
- ۶- ergative
- ۷- lowering
- ۸- همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، گویشوران گویش ولاتی از هر دو صورت ذکرشده برای صرف صیغه سوم شخص مفرد استفاده می‌کنند. این مورد، یکی از استثناهای این صورت از فعل در این گویش است که پرداختن دقیق‌تر به آن، به بحثی جداگانه نیاز دارد.
- ۹- participle